

پژوهش‌های فقهی، دوره ۱۵، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۸
صفحات ۳۱۷-۳۳۸ (مقاله پژوهشی)

تجدید بنای پایه‌های نظری فقه اباضیه در دوره معاصر

ابراهیم قاسمی^{۱*}، رضا اسفندیاری (اسلامی)^۲

۱. دانش‌آموخته دکتری، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران

۲. دانشیار، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۳/۲۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۲/۱۶)

چکیده

یکی از اصولی که تمام مذاهب برای ادامه حیات خود به آن نیاز دارند، بازسازی و تجدید بناست. اباضیه هم برای بازسازی مذهب خود به سراغ بازسازی و تجدید بنای پایه‌های نظری فقه خود رفته تا از این راه، موجودیت خود را در میان مذاهب اسلامی حفظ و هر روز به رشد و تعالی بیشتری دست پیدا کند. این رویکرد از سوی اباضیه معاصر در ضمن نه محور تعقیب می‌شود که مهم‌ترین آنها عبارتند از تجدید بنا در ماده و مصادر و منابع فقه، اهتمام به مطالعات تطبیقی و مقارن، پویاسازی فقه مقاصدی، شکلدهی به پژوهش‌های نوین فقهی و بازسازی شاکله فقه. فقه اباضیه شش دوره را پشت سر گذاشته که دوره معاصر دارای اهمیت بسزایی است. به لحاظ آنکه توجه خاص به تجدید و تیسیر فقه شده است، این مقاله با رویکرد توصیفی - تحلیلی و با روش کتابخانه‌ای به تجدید بنای پایه‌های نظری فقه اباضیه می‌پردازد.

واژگان کلیدی

اباضیه، پایه‌های نظری، تجدید بنا، دوره معاصر، فقه.

مقدمه

اباضیه معاصر را نباید با اباضیه قرون نخستین مقایسه کرد. از این رو می‌توان به چند تفاوت میان آن دو اشاره کرد: اول اینکه اباضیه نخستین به علت انتساب به خوارج، متهم به خشونت بوده^۱، ولی اباضیه معاصر، شعار صلح‌طلبی دارد و صلح‌گرا هستند (ابوالوفاء، ۲۰۱۳، ج ۳: ۹۶؛ اطفیش، ۱۹۸۵، ج ۱۳: ۶۴۳؛ رقیشی، ۲۰۰۷: ۹۳؛ کندی، ۱۹۸۴، ج ۶۹: ۸۰)؛ دوم اینکه اباضیه نخستین برخلاف معاصر اهل تکفیر دیگران بودند (ناصر، ۱۹۹۲: ۱۴۵؛ وهیبی، ۲۰۰۶: ۷۳؛ صوافی، ۱۹۹۷: ۲۲۰)؛ سوم اینکه، اباضیه نخستین به لحاظ دور بودن از مبانی فقهی، اصولی و کلامی در انزوا بودند، ولی اباضیه معاصر مبانی فقهی، اصولی و کلامی موجه و قابل دفاعی برای خویش ساخته و پرداخته کرده‌اند. اباضیه معاصر برای خروج از انزوا دست به بازسازی و نوسازی ارکان فکری، اعتقادی و فقهی خود زده، به طوری که مذاهب چهارگانه اهل سنت نمی‌توانند اشکال مهمی را متوجه آنها کنند.^۲ مسئله‌ای که هم‌اکنون با آن مواجه هستیم، تحلیل تفاوت اباضیه معاصر با اباضیه متقدم است. ما برای پاسخ به این مسئله تنها از زاویه فقهی، تجدید بنای پایه‌های نظری فقه اباضیه را گرفته‌ایم.

با اینکه اباضیه فرقه کوچکی بوده‌اند، در مناطق مختلفی از دنیا وجود دارند، ولی هنوز هم برای بسیاری از مردم و حتی فرهیختگان نامی ناآشناست. نماد اباضیه معاصر کشور

۱. در خصوص رابطه خوارج با اباضیه و بیان افتراقات میان آن دو (نک: سبحانی، ۱۴۲۷، ج ۵: ۷۷؛ معمر، ۲۰۰۳: ۴۳۲؛ طعیمات، ۲۰۰۳: ۱۴۹؛ معمر، ۲۰۰۰: ۱۹؛ المسقری، ۲۰۰۸: ۱۲۰؛ درجینی، بی‌تا، ج ۲: ۲۰۸).

۲. شاهد آن حضور عالمان اباضی در مجامع علمی و همچنین تشکیل کنفرانس‌های علمی مخصوصاً در کشور اباضی‌نشین عمان که از مهم‌ترین این مجامع عبارتند از: ندوة الفقه الاسلامی بین الاصله و التجدید، ندوة التقنین و التجدید فی الفقه الاسلامی المعاصر، ندوة فقه التوقع، ندوة فقه الحضاری، ندوة فقه العمران، ندوة التألیف الموسوعی و الفقه المقارن، ندوة القواعد الشرعیة، ندوة الثابت و المتغیر فی الشریعة الاسلامیة و ندوة فقه النوازل و تجدید الفتوی و همچنین کنفرانس‌های دیگر.

عمان است. در دوران حکمرانی «آل جلندی» اسلام وارد عمان شده و در آن دوران رسول خدا(ص)، عمرو بن عاص و ابازید انصاری را برای دعوت مردم به اسلام به عمان می‌فرستد (کرمی، ۱۳۸۸: ۳۵ و سالمی، بی‌تا: ۱۲).

عمان همانند شیخ‌نشین‌های منطقه و کشورهای حاشیه خلیج فارس، نظام سلطنتی و پادشاهی دارد و در ساختار سیاسی این کشور نخست‌وزیر وجود ندارد. از همه مهم‌تر آنکه فرمان‌های شخص پادشاه، قانون است. سلطان قابوس پادشاه کشور اباضی‌نشین عمان در سال ۱۹۷۰ میلادی اصلاحات اجتماعی و فرهنگی را آغاز کرد (یگانه، ۱۳۷۴: ۱۲).

سیاست سلطان قابوس مبتنی بر بی‌طرفی و عدم ورود در نزاع‌های بین همسایگان و دولت‌های بیگانه است و خاستگاه این سیاست را قاعده «لا ضرر و لا ضرار» (صدوق، ۱۴۰۳: ۲۸۲) می‌دانند. از این رو با همه دولت‌ها اعم از دولت‌های عربی یا غیرعربی، رابطه دوستانه برقرار کرده است و در همه مجامع بین‌المللی حضور فعال دارد. حکومت سلطان قابوس به خاطر ایمان به جمله: «من یتدخل - علی المستوی الدولی - فی شأن لیس من شأنه کانما ینعق فی واد غیر وادیه» (بوسعیدی، بی‌تا: ۴۴۸) شبه عزلت سیاسی محسوب می‌شود و توانسته است با این سیاست، عمان را به یک کشور آرام در منطقه و جهان تبدیل کند.

مهم‌ترین شخصیت فقهی اباضیه معاصر احمدبن حمد خلیلی است. وی در طی سال‌های گذشته مسئولیت‌های علمی و اجرایی مختلفی داشته که نمونه‌ای از آن عبارت است از: مفتی عام سلطنت عمان، رئیس هیأت مدیره مؤسسات فرهنگی سلطان قابوس، رئیس دانشکده علوم شرعیه، عضو کمیسیون بازرسی برای شکایات^۱، رئیس کمیسیون انتشارات و پژوهش کتب در وزارت تراث القومی و الثقافه^۲، عضو کمیسیون استهلال، عضو کمیسیون فقه اسلامی وابسته به سازمان کنفرانس اسلامی، عضو مؤسسه آل‌البیت^۳ و

۱. این کمیسیون عالی‌ترین کمیسیون قضایی در کشور عمان است.

۲. وزارت میراث ملی و فرهنگی.

۳. انجمن سلطنتی تحقیقات تمدن اسلامی.

عضو هیأت امنای دانشگاه بین‌المللی اسلامی پاکستان (آل‌ثانی، ۲۰۰۹: ۷۸۳) با کاوشی در کتاب‌های فقهی خلیلی و دقت در آنها به روش و منهج خاصی از افتاء در نزد ایشان پی می‌بریم که از مجال این مقاله خارج است و خود تحقیق جداگانه‌ای را می‌طلبد (آل‌ثانی، ۲۰۰۹: ۸۲۲ - ۸۰۵).

سیر تطور و ادوار فقه اباضیه

جعیری با توجه به پراکندگی اباضیه در مغرب و مشرق اسلامی، ادوار را به صورت قرن به قرن مطرح کرده است (جعیری، ۲۰۰۳: ۴۸۹) اما دیگر پژوهشگران اباضیه، ادوار را بر حسب اتفاقات، رکودها و صعودها تقسیم کرده‌اند. برخی از پژوهشگران هفت دوره^۱، برخی شش دوره^۲ و برخی دیگر سه دوره^۳ را نام برده‌اند. ما وجه جمعی را که بوسعیدی مطرح کرده است را ملاک قرار می‌دهیم و به بررسی آن می‌پردازیم و خصوصاً به تحلیل شاخصه‌های دوره معاصر تأکید داریم (بوسعیدی، ۲۰۰۳: ۲۱ - ۱۷).

دوره اول: تکوین و تولد

این دوره زمان حیات پیامبر اسلام (ص) یعنی از بعثت تا سال یازدهم هجری را دربرمی‌گیرد. این دوره را مرحله وحی نیز می‌نامند. در این دوره بود که فقه اسلامی به وجود آمده، رشد و تکامل خود را آغاز کرد. در این دوره با وفات رسول خدا (ص) و بسته شدن باب وحی، منابع اصلی فقه اسلامی، یعنی قرآن کریم و سنت نبوی، تدوین و به مرحله تکامل رسید (بوسعیدی، ۲۰۰۳: ۱۷)؛

دوره دوم: توسعه و گسترش

این دوره در حیات صحابه رسول خدا (ص) از سال یازدهم تا اواخر قرن اول هجری به وقوع پیوست. صحابه در این دوره به اجتهاد روی آوردند، زیرا با اموری مواجه

۱. مانند آقای مصطفی احمد زرقا (بوسعیدی، ۲۰۰۳: ۱۷).

۲. مانند آقای محمد ابراهیم عبدالرحمان (بوسعیدی، ۲۰۰۳: ۱۷).

۳. مانند آقای محمد کمال‌الدین امام (بوسعیدی، ۲۰۰۳: ۱۸).

شدند که حکم آن در قرآن کریم و سنت نبوی نبود. مانند داستان تیمم کردن عمار یاسر به صورت خاکمالی تمام بدن در سفر به جای غسل جنابت (نیشابوری، ۱۴۱۶، ج ۱: ۱۹۳). در همین دوره بود که منبع سوم از منابع فقه، یعنی اجماع شکل گرفت (بوسعیدی، ۲۰۰۳: ۱۷)؛

دوره سوم: مدارس و مذاهب فقهی

این دوره از اواخر سده اول تا نیمه سده چهارم را دربرمی‌گیرد. در همین دوره بود که مکاتب مختلف فکری و فقهی مانند مدرسه حدیث در حجاز و مدرسه رأی در عراق شکل گرفت و مصادر فقهی و راه‌های استنباط احکام بهره‌برداری شدند. البته تدوین و گردآوری احادیث رسول خدا (ص) و تألیف علم اصول نیز به همین دوره برمی‌گردد (بوسعیدی، ۲۰۰۳: ۱۸).

یکی از فقیهان و علمای شاخص اباضیه در این دوره، جابر بن زید ازدی است. وی عالم، مفسر، محدث و فقیه بود و نزد صحابه رسول خدا (ص) شاگردی کرده و از آنها علوم مختلف را فراگرفته بود. زمانی که وی از دنیا رفت، انس بن مالک در وصف او گفت: «مات أعلم من فی الأرض: داناترین مردم بر روی زمین از دنیا رفت» (خراسانی، ۲۰۰۷، ج ۲: ۲۸۰) برخی از پیروان و اتباع او عبارتند از: عبدالله بن اباض تمیمی، مرداس بن حدیر و ابی عبیده مسلم بن ابی کریمه تمیمی.

جابر بن زید گرچه قواعد اصولی و فقهی اباضیه را پایه‌گذاری کرد، اما مذهب اباضیه را به عبدالله بن اباض تمیمی نسبت می‌دهند. یکی از دلایلی که اباضیه را به عبدالله بن اباض نسبت می‌دهند، این بود که جابر بن زید به خاطر مصالحی همچون حفظ جان پیروانش، تقیه در پیش گرفت و به جای سیاست تهاجمی، سیاست تدافعی را دنبال کرد، اما عبدالله بن اباض که سیاست تهاجمی را در پیش گرفته بود با خوارج به مناظره می‌پرداخت و آنان را منحرفان در اعتقاد و رفتار می‌دانست (ارشوم، ۲۰۱۳، ج ۱: ۲۰۷). همچنین وی با خلفای اموی نیز به بحث و مناظره می‌پرداخت و امویان را به خاطر رفتار برخلاف راه خلفای راشدین، مورد انتقاد قرار می‌داد (برادی، بی تا: ۱۶۷ - ۱۵۶ و بارونی، ۲۰۱۳: ۲۶ - ۱۸ و باجو، ۲۰۰۵: ۷۵).

در هر صورت جابر بن زید، اصول و فقه اباضیه را ترسیم و تدریس و رشد و نمو آن را

دنبال کرد. برخی از مصنفات اباضیه که توسط علمای مطرح این دوره به رشته تحریر در آمده است، عبارتند از:

الف) دیوان امام جابرین زید: اکنون اثری از این دیوان (که مربوط به قرن اول است) در دست نیست و تنها برخی از مطالب آن در لابه‌لای متون اباضیه یافت می‌شود (جامعه سلطان قابوس، ۲۰۰۶: ۱۸۶)؛

ب) جوابات امام جابرین زید: این کتاب که به صورت خطی بوده و هنوز به مرحله طبع نرسیده نیز مربوط به سده اول است (جامعه سلطان قابوس، ۲۰۰۶: ۱۸۶)؛

ج) الجامع الصحیح:^۱ تألیف ربیع بن حبیب که در عمان از دنیا رفت اما در بصره نیز زندگی کرد. این کتاب در نیمه دوم از قرن دوم جمع‌آوری شد. اما پس از آن در سالیانتمادی، باب‌بندی شده و توسط عالم اباضی محمد بن یوسف اطفیش، حاشیه‌ای بر آن نگاشته شد و عالم دیگر اباضی، نورالدین عبدالله بن حمید سالمی نیز بر آن شرح مبسوطی نگاشت (جامعه سلطان قابوس، ۲۰۰۶: ۱۸۶)؛

د) کتاب محمد بن محبوب بن رحیل: وی در سده سوم یکی از بزرگان علمای عمان بود و به عنوان مجتهد مطلق دست یافته بود. کتاب او هفتاد جلد بود که اکنون اثری از آن نیست (جامعه سلطان قابوس، ۲۰۰۶: ۱۸۸)؛

ه) جامع ابی محمد عبدالله بن محمد بن برکه بهلولی سلیمی: با توجه به مطالب علمی که در کتاب او یافت می‌شود، می‌توان به دانش زیاد او پی برد. این کتاب که مربوط به قرن چهارم است، در دو جلد و چندین مرتبه به چاپ رسیده است (جامعه سلطان قابوس، ۲۰۰۶: ۱۸۹)؛

دوره چهارم: تقلید

این دوره نیمه دوم قرن چهارم تا نیمه اول قرن هفتم را دربرمی‌گیرد (بوسعیدی، ۲۰۰۳: ۱۹) در این دوره، جنبش بزرگ موسوعه نویسی صورت پذیرفت و اکثر علما با انتشار

۱. این همان کتاب مسند امام ربیع بن حبیب عمانی بصری است.

تالیفات و موسوعات فقهیه به این جنبش پیوستند. برخی از مصنفات علمای اباضیه در این دوره عبارتند از:

الف) جامع أبی الحسن بسوی: وی علم و دانش خویش را از ابن‌برکه فراگرفته بود. کتاب او که در چهار جلد منتشر شده، در اصول و فروع، بسیار نافع است (جامعه سلطان قابوس، ۲۰۰۶: ۱۹۰)؛

ب) کتاب المصنّف: نوشته احمد بن عبدالله بن موسی کندی در ۴۳ مجلد به چاپ رسید. کتاب^۱ او به بهترین وجه، ترتیب‌بندی شده و اصول و فقه را به خوبی تهذیب کرده است (جامعه سلطان قابوس، ۲۰۰۶: ۱۹۲)؛

دوره پنجم: فترت و انحطاط

این دوره با اینکه از وجود فقهها، علما و آثار آنان خالی نیست، به دوره فترت و انحطاط مشهور شده، زیرا فضای حاکم بر جامعه اباضی فضای انحطاط بوده است. این دوره از نیمه دوم قرن هفتم تا پایان قرن سیزدهم را شامل می‌شود. در این دوره به طور کلی حرکت فقهی جدیدی شکل نگرفت و به همان متون و موسوعات دوره های قبلی اکتفا شد (بوسعیدی، ۲۰۰۳: ۲۰)؛

دوره ششم: تجدید و تیسیر

این دوره از پایان سده سیزدهم تا دوره معاصر را دربرمی‌گیرد. در این دوره به دلیل آنکه امت‌های اسلامی رودروی دولت‌های استعماری قرار داشتند و حتی مورد طعنه و تمسخر دیگران قرار می‌گرفتند، «تجدید بنا» به وقوع پیوست و تمام مذاهب و دولت‌های اسلامی در صدد اصلاح مبانی و متون خود برآمدند و برای مقابله با هجمه‌های دشمنان دست به کار شدند. این حرکت و جنبش سرانجام به این نتیجه رسید که برای اقناع اندیشه مخالفان و دوری از طعنه آنان، باید آموزه های خود را تجدید و تیسیر و در قالب و شکل جدیدی به جهانیان عرضه کنند (بوسعیدی، ۲۰۰۳: ۲۱).

۱. این کتاب از مهم‌ترین و اصلی‌ترین متون اباضیه در سده ششم محسوب می‌شود.

تجدید و تیسیر در مذهب اباضی

برخی از آنچه اباضیه را به بازخوانی و تجدید منابع فقهی خویش مجبور کرد، عبارتند از: الف) اتفاقات، سؤالات و مسائل مستحدثه‌ای در حال شکل‌گیری بود و متون فقهی قدیمی پاسخگوی مسائل و مشکلات مستحدثه نبود. از جمله آن مسائل مستحدثه مسائل نوین پزشکی، بیمه‌ها، فضای مجازی و حقوق معنوی است؛

ب) گسترش مذهب فقهی اباضیه و جذب حداکثری نیز متوقف بر تسهیل و تیسیر متون قدیمی بود؛ زیرا منابع فقهی با اسلوب قدیمی برای بسیاری از مردم و جوانان، مشکل و خستگی آور بودند. نکته اساسی که در نظریه تجدید و تیسیر، راه هرگونه شک و شبهه را می‌بندد، این است که دین اسلام و آموزه‌های آن دو ویژگی دارد:

- ثبات و دوام در مبادی و اصول؛

- تطور و تجدید در ابزار و روش‌ها.

بنا بر آنچه آقای مصطفی بن صالح باجو استاد فقه و اصول جامعه الامیر عبدالقادر در کشور الجزایر در مقاله خود با عنوان «مناهج التجدید لدى فقهاء عمان المعاصرين و اثره فی التفتیین الفقہی» آورده است، مجتهد اجازه دارد که در ابزارها و روش‌ها و بدون آنکه اصول و مبادی را زیر پا بگذارد، بر اساس مصلحت، احکامی را صادر کند. از سوی دیگر فقیه و مجتهد می‌تواند در عرضه فتوا و تألیف متون فقهی، تجدید و تسهیل را مد نظر قرار دهد و از به کارگیری لغات و جملات نامفهوم و مشکل پرهیز کند. اگر انگیزه تجدید و پاسخگویی به سؤالات روزمره نبود، هرگز متون جدیدی نوشته نمی‌شد و همگان به همان متون اولیه و قدیمی اکتفا می‌کردند. در سال‌های اخیر افرادی همچون عبدالرزاق سنهوری، شیخ احمد ابراهیم، علی خفیف، محمد ابوزهره و... نیز در عرصه تجدید، تلاش‌های وافر را انجام داده‌اند (باجو، ۲۰۰۹: ۳۵۶).

البته مسئله تجدید و تیسیر گرچه موافقان زیادی دارد، مخالفانی نیز به ایراد اشکال‌ها و

انتقادهایی روی آورده‌اند.^۱ به عنوان نمونه دکتر عبدالعظیم مطعنی یکی از مشکلات و انتقادهای تجدید و تیسیر را این‌گونه بیان می‌دارد:

«ادله احکام یا قطعی هستند یا ظنی. اگر حکمی دلیلش قطعی الدلاله و قطعی الثبوت بود که تجدیدپذیر نیست و اگر ظنی الثبوت و قطعی الدلاله باشد، باز هم تجدید در آن معنا ندارد. اما احکامی که دلیلشان، ظنی الثبوت و ظنی الدلاله باشند یا قطعی الثبوت و ظنی الدلاله باشند، تجدید و تیسیر ثبوتاً امکان دارد، اما وقوعاً ممکن نمی‌باشد» (باجو، ۲۰۰۹: ۳۵۷).

موافقان تجدید در پاسخ به این‌گونه اشکال‌ها، این نکته را متذکر می‌شوند که تجدید در اصول و مبادی را ما نیز نمی‌پذیریم، اما تجدید در ابزارها و روش‌ها یا تجدید در نگارش و تألیف متون فقهی علاوه بر آنکه از هرگونه اشکالی مبرا است، پسندیده و نیکو خواهد بود (شعیلی، ۲۰۰۹: ۹۹۳ - ۹۵۷). در ادامه قبل از پرداختن به بحث تجدید در فقه و مصادیق آن، بر خود لازم می‌دانیم تا مطالبی را در خصوص معنای لغوی و اصطلاحی تجدید و تیسیر بیان کنیم.

تجدید از دیدگاه اباضیه

برای تجدید اصطلاحی دو معنا ذکر شده است: معنای اول تغییر و برگرداندن تفسیر و صیغه‌های فقهی به ادبیات معاصر (ابوالصل، ۲۰۰۳: ۱۷۲) و معنای دوم تغییر و برگرداندن طرح اسلامی به صیغه و لغت مناسب با معاصر، که این معنای دوم بیان و روشنگری در مورد قضیه‌ها و مواردی را که قبلاً مطرح نبوده است را دربرمی‌گیرد. در نتیجه بر اساس دلایل مناسب برای آنها احکام مناسب را جاری می‌کنیم (خلیل، ۲۰۰۳: ۷۰).

از نظر ما تجدید بنای فقه اباضیه، شاید حتی فراتر از معنای دوم نیز مد نظر باشد. چون اباضیه معاصر نه تنها در ادبیات، تعابیر، ساختارها و قالب‌ها تغییر مناسب ایجاد کرده‌اند،

۱. در این زمینه مقاله دکتر عبدالعظیم مطعنی با عنوان «تجدید الفقه بین القبول و الرفض» برای مطالعه و تحقیق پیشنهاد می‌شود.

بلکه دست به توسعه و تعمیق فقه خود به لحاظ محتوایی و بازسازی منابع و مصادر زده‌اند و نیز رویکردهای جدیدی مثل رویکرد تقریبی را اتخاذ کرده‌اند؛

تیسیر از دیدگاه اباضیه

خداوند متعال می‌فرماید: «وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ؛ و ما قرآن را برای وعظ و اندرز بر فهم آسان کردیم، آیا کسی هست که از آن پند گیرد؟» (قمر: ۱۷) زیرا دارای حکمت‌ها و موعظه‌هایی است که با عقل انسانی مناسب و موافق است (اطفیش، ۲۰۰۴، ج ۱۲: ۵۹۰). در آیات قرآن کریم نیز «یسر» به معنای آسان و سهل به کار رفته است؛ خداوند می‌فرماید: «وَنُيَسِّرُكَ لِلْيُسْرَى» (اعلی: ۸). در تفسیر این آیه گفته شده است: شریعت اسلام، آسان است و از سختی‌هایی که امت‌های پیشین گرفتار آن بودند، خالی است (اطفیش، ۲۰۰۴، ج ۱۵: ۱۰۴ - ۶۹).

در روایات نیز بر آسان‌گیری و سهل بودن دین و آموزه‌هایش تأکید شده است. جابر بن عبدالله از پیامبر (ص) نقل می‌کند: «بعثت بالحنيفية السمحة» (احمد بن حنبل، ۱۴۱۵، ج ۵: ۲۶۶)، «حنيفية» یعنی آنچه از باطل به سوی حق مایل است (طریحی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۵۸۸)؛ «السمحة» نیز به معنای سهل و آسان بوده (طریحی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۴۱۴) زیرا واضح است که در شرع و آموزه‌هایش، حرج و سختی نیست و مردم را در سختی و مشقت قرار نمی‌دهد. در هر صورت بدون شک، تیسیر مبدأ و مبنایی اصیل از مبدأ و مبنایی شریعت اسلامی و مقصدی بالا و برتر از مقاصد تشریح است. پس هیچ حکمی از احکام نیست، مگر اینکه تابع تیسیر است. (شعیلی، ۲۰۰۹: ۹۶۱).

شرایط و ضوابط تجدید و تیسیر

برای تجدید و تیسیر ضوابط و شرایطی را بیان کرده‌اند که عبارتند از:

الف) مدرک و دلیل تجدید و تیسیر باید مستند به یکی از این موارد باشد: کتاب، سنت، اجماع و اجتهاد علمای گذشته؛

ب) عدم تتبع رخصت‌ها که به تلفیق مذاهب اسلامی منجر می‌شود؛ یعنی اینکه در مسئله مورد بحث به دنبال جمع‌آوری فرجه و اجازه‌های آن (که از سوی علمای مذهب ذکر

شده است) نباشیم. برخی از عوام برای آنکه ادای تکلیف را برای خود آسان کنند، دنبال فرجه‌ها و اجازه‌ها می‌روند که این مطلب از سوی علمای اباضیه مردود و حرام است؛ (ج) شناخت موقعیت و شرایط مردم؛ زیرا حکمی که برای مردمان خاصی و در شرایطی خاص صادر شده است، برای تمام افراد جامعه صادق نخواهد بود. به عبارت دیگر هر شخصی با توجه به موقعیت مکانی و زمانی شرایطش، دارای احکام ویژه‌ای است (شعیلی، ۲۰۰۹: ۹۶۶ - ۹۶۵).

تجدید بنای فقه اباضیه

با توجه به مطالبی که قبل از این بیان شد، برخی از ابعاد و نمونه‌های تجدید و تیسیر در فقه اباضی که در کلام علمای اباضیه تحت عنوان تجدید و تیسیر آمده‌اند، بیان می‌شود.

تجدید در ماده فقه

این تجدید به بخش‌های زیر تقسیم می‌شود:

الف) تجدید در مسائل قدیمی: که مجتهد می‌تواند به دلیل تغییر شرایط در زمان، مکان و اشخاص، حکم جدیدی ابلاغ کند. در این بخش مجتهد مجبور نیست که به آرای قدیمی پایبند باشد، بلکه این اجازه را دارد که طبق مستند و دلیل شرعی، حکم جدیدی را به دست بیاورد. مانند دفن روی زمین به جای درون زمین در زمین‌هایی که با کندن مقدار کمی به آب می‌رسیم (مبروک، ۲۰۱۰: ۱۳۲)؛

ب) اجتهاد در مسائل مستحدثه: خواه در مسائل جزئی باشد مانند پیوند اعضا و خواه در مسائل کلی باشد، مانند نظام دولت سیاسی، اقتصاد دولت و سیاست خارجی دولت. شایسته است که مجتهد در این موارد بر اساس روشی اصولی و مقبول اجتهاد کند و نباید اجتهادش بر مبنای فقهی گذشته و اقوال آنان یا بر اساس مصلحت‌اندیشی مطلق پایه‌گذاری شود؛

ج) ادغام علوم انسانی با فقه: به این صورت که از طرفی مباحث اعتقادی و اخلاق عملیه و آداب شرعیه را و از سوی دیگر مباحث سیاسی شرعی و حقوق انسانی را با جسم

فقه، ادغام و مخلوط کنیم. در این صورت خشکی مباحث فقهی به وسیله اخلاقیات و روح تعبد از بین می‌رود. البته مطرح کردن مباحث فقهی، اخلاقی و عقیدتی و تألیف کتاب فقهی، اخلاقی و اعتقادی به این صورت مسئله جدیدی نیست و در گذشته نمونه‌هایی داشته است. مانند: ابن حزم در کتاب «المحلی» که با کتاب التوحید آغاز می‌کند یا ثمینی اباضی در کتاب «النیل و شفاء العلیل» که مباحث اخلاقی را در موضوعات فقهی درج کرده است. در شیعه نیز این روش مورد استفاده علما قرار گرفته است، مثلاً شیخ کلینی در کتاب «الکافی» اعتقادات و اخلاقیات را ضمن مباحث فقهی مطرح کرده است؛

د) وضع ضوابط شرعی برای علوم انسانی: به این صورت که اهداف هر کدام از این علوم در مسیر شریعت به‌کار گرفته شود. همچنین با تطبیق قواعد فقهی بر هر کدام از این علوم، نظریه‌های اسلامی در هر علمی کشف و به این وسیله بین ادیان و فلسفه‌های مختلف، تقارن و وحدت ایجاد می‌شود (عطیه، ۲۰۰۳: ۱۵۷ - ۱۵۶ و باجو، ۲۰۰۹: ۳۶۳ - ۳۶۲).

تجدید در مصادر و منابع فقه

در این مرحله پژوهشگران فقهی تصمیم گرفتند که برای کمک به مراجع تقلید، دو مجموعه از منابع فقهی را به منابع خود بیفزایند (باجو، ۲۰۰۹: ۳۶۴) که این دو مجموعه عبارتند از:

- مجموعه تراثیه (قدیمی): که شامل فتاوا و قضاوت‌ها و اتفاقات است؛

- مجموعه جدید: که شامل کتاب‌های فقهای بزرگ معاصر، پایان‌نامه‌های دکتری و کارشناسی ارشد، مقالات، مجلات علمی و پژوهشی، نقد و بررسی‌ها و نکات مطرح شده به وسیله مراکز فقهی است (عطیه، ۲۰۰۳: ۱۵۸).

بنابراین می‌توان ادعا کرد که نمی‌شود در عصر حاضر کتابی باشد که در این دو مجموعه یافت نشود و در این مجموعه نامی از آن برده نشده باشد؛

فراگیری تمام مذاهب

البته در این مسئله فقط مذاهب چهارگانه سنی مد نظر نیست بلکه تمام مذاهب، حتی آرا و نظریات فقهایی که مذهبشان نابود شده یا اصلاً مذهبی نداشته‌اند نیز مورد آموزش و فراگیری قرار می‌گیرند. برخی از انگیزه‌های این آموزش و فراگیری عبارتند از:

الف) قوت بخشیدن به وحدت امت اسلامی به این صورت که بدون تعصب، آرای مذاهب جمع آوری شده و به فقه اسلامی به صورت کلی نگاه کنیم نه به صورت آرای مختلف و پراکنده؛

ب) کمک کردن به قانونمند کردن و قانونگذاری در فقه اسلامی به این روش که در صورت نیاز بتوانیم قانونی را انتخاب کنیم که بر اساس مصالح زمانی و مکانی، تمام مذاهب را دربرگیرد (باجو، ۲۰۰۹: ۳۶۵ - ۳۶۴)؛

ج) ارائه کردن فقه اسلامی به تمام دنیا به صورت نظامی قانونی، شناخته شده و طبقه‌بندی شده بر اساس مذاهب مختلف (عطیه، ۲۰۰۳: ۱۵۹).

اهمیت مطالعات تطبیقی فقه و قانون

در اینجا قانون خاصی مد نظر نیست، بلکه مقصود تمام مکان‌هایی است که دارای نظم و نظریات قانونی هستند، چه در شهرهای اسلامی باشد یا غیراسلامی. زیرا اگر تمام شهرها و مکان‌ها مد نظر باشد، علاوه بر اینکه مقارنت صورت می‌پذیرد، خیارها و بدل‌های متعددی مطرح می‌شود که برخی شرعی است مثل قانون‌های وضعی در شهرهای اسلامی و برخی قانونی است مثل شهرهای غیراسلامی. البته این نوع از آموزش و فراگیری فایده‌هایی نیز دارد. یکی از فایده‌های آن در زمان نظریه‌پردازی و بحث علمی در سطح دنیا و فایده دیگر آن برای مجتهد است، مخصوصاً هنگامی که مجتهد با مسائل مستحدثه‌ای روبه‌رو می‌شود که دلیلی اجتهادی برای حکم آن نمی‌یابد (عطیه، ۲۰۰۳: ۱۵۹).

پویاسازی فقه با نگاه به مقاصد الشریعه

آنچه در آثار فقهی به آنها اهتمام و دقت شده است، فقط در تعریف الفاظ و شمردن ارکان و شروط خلاصه می‌شود. اما از روح تعبد، بیان مقاصد شریعت، حکمت تشریح و اسرار

تشریح، غفلت شده است. در نتیجه لازم خواهد بود برای آنکه آثار فقهی از این یکنواختی، سختی و خشکی خارج شوند، بیان حقیقت شرعی و یادآوری اسرار و حکمت‌های تشریح نیز مد نظر قرار بگیرد (باجو، ۲۰۰۹: ۳۶۴).

اهتمام به انطباق بخشی فقه با واقعیات

نمونه‌هایی از این مسئله عبارتند از:

الف) دوری جستن از مباحث و مثال‌هایی که در زندگی معاصر ما موجودیت ندارند: مانند عبد و کنیز. (باجو، ۲۰۰۹: ۳۶۴)^۱

ب) گسترش و توسعه ندادن به مسائل و احکامی که مورد ابتلای عموم نیست: مانند زکات چهارپایان. اما از آن طرف، پرداختن و گسترش به زکات اموال که مورد ابتلای عموم است (باجو، ۲۰۰۹: ۳۶۴)؛

ج) بر مجتهد لازم است که هنگام ذکر کردن مقادیر و وزن‌های شرعی به مثال‌هایی همچون صنایع، ذراع، دینار و اوقیه، بسنده نکند، بلکه معادل آنها را در عصر حاضر ذکر کند تا برای مردم هم فهمیدنی و تطبیق‌پذیر باشد (باجو، ۲۰۰۹: ۳۶۴).

مستندسازی آرای فقها و بررسی دلایل آن

این کار نیز در دو بخش کلی صورت می‌پذیرد:

الف) اولین مرحله آن است که منبع این آرا و فتاوی را در منابع اصلی بیابند تا اثبات شود که این آرا در منابع اصلی وجود دارد نه در منابع ثانوی و فرعی؛

ب) در مرحله بعدی باید بررسی شود که فقیه به کدام یک از دلایل شرعی تمسک کرده است. اگر دلیل آن، آیات قرآن بود نام سوره و آیه آن ذکر شود و اگر دلیل آن، حدیث نبوی بود، نام منبع اخذ سند، ذکر و سپس درجه صحت روایت بررسی شود (عطیه، ۲۰۰۳: ۱۶۱).

۱. البته با وجود آمدن گروه‌های تکفیری این بحث دوباره جای طرح دارد.

برنامه‌ریزی برای پژوهش‌های فقهی

در این مرحله برای نوسازی فقه، برخی از برنامه‌ریزی‌ها همراه با تعیین خطوط و مرزها انجام می‌پذیرد که در چند سطح زیر صورت می‌گیرد:

– مرحله اول: در این مرحله به موضوعاتی رسیدگی می‌شود که وارد شدن آنها در مباحث فقهی را دیگران پیشنهاد داده‌اند؛

– مرحله دوم: در این مرحله میانی بین موضوعات مختلف فقهی، هماهنگی و همسان‌سازی، اجرا می‌شود؛

– مرحله سوم: در این مرحله، روش اسلامی را جایگزین روش غربی خواهند کرد و در تألیف متون و تصنیف متون، روش اسلامی مقدم داشته می‌شود (عطیه، ۲۰۰۳: ۱۶۲).

روشن است که برنامه‌ریزی و تعیین خطوط و مرزها برای پژوهش‌های فقهی، اهمیت ویژه و فواید بی‌شماری دارد، برخی از آثار و فواید آن عبارتند از: حذف اصطلاحات نامأنوس قدیم و به‌کارگیری ادبیات روز، مقارنت میان فقه و قانون، توحید مناہج و روش‌ها برای متون درسی، جلوگیری از تشتت نظریات فقهی و سرانجام تبیین نقاط اصلی و اساسی در نظریات فقهی.

بازسازی شاکله فقهی

نمونه‌های بازسازی در شاکله فقهی عبارتند از:

الف) اضافه کردن برخی از ضروریات به مباحث فقهی که در گذشته نیز اشاره‌ای به آن داشتیم. مثل مربوط کردن فقه با اعتقادات و اخلاقیات و دمیدن روح تعبد و اخلاق‌مداری در فقه؛

ب) بازنگری، تنظیم ابواب و مسائل فقهی بر اساس اهمیت و نیاز به آن. به‌عنوان نمونه، برخی از ابواب و مسائل فقهی باید گسترده و مبسوط باشد و به دقت کنکاش و بررسی شوند، اما برخی از ابواب فقه را باید کوچک و آن را از زوائد پاکسازی کرد. در طول سده‌های متمادی به برخی از ابواب، مسائل، جزئیات و تعریف‌هایی اضافه شده است که

امروزه به آنها نیازی نیست و به غیر از اطالۀ کلام فایده‌ای ندارند. در این گونه موارد لازم است که بازنگری صورت و تدوین دوباره آن در اولویت قرار بگیرد (باجو، ۲۰۰۹: ۳۶۵).

تحلیل و بررسی

با توجه به آنچه صاحب‌نظران اباضی تحت عنوان تجدید بنا ذکر کرده‌اند، می‌توان بیان کرد که موارد ذکر شده توسط آنان به عنوان محورهای تجدیدبنای فقه اباضیه برخی شاهد مثال مناسب در فقه داشته و برخی اجمالاً شاید شاهد مثال داشته باشد و برخی دیگر مجرد ادعاست و هیچ‌گونه شاهد مثالی ندارد و بیشتر شبیه به یک آرمان و آرزو است تا واقعیت. محور اول که تجدید در ماده فقه است، با توضیحی که آورده‌اند روشن شد که مراد آنها از این تعبیر چهارگونه تجدید است که برای هر یک می‌توان از آثار کنگره‌های برگزار شده توسط اباضیه مثال‌هایی آورد.^۱ اما برای محور دوم، می‌توان به کتب اصول فقه اباضیه و منابع جدید فقهی رجوع کرد.^۲

شاهد محور سوم تلاش‌های اباضیه در دوره معاصر است و این تلاش‌ها به لحاظ کم و کیف فعالیت میدانی جای تحلیل و بررسی دارد، اما آنچه به یقین می‌توان گفت، موقعیت اباضیه در تقریب با دیگر مذاهب است؛ محور چهارم بهترین شاهدش تشکیل حکومت در عمان بر پایه فقه اباضیه و قانونگذاری بر اساس چنین فقهی است. نمونه تلاش‌های نظری برای ارتباط فقه و قانونگذاری در این قسمت خواهد آمد؛^۳

محور پنجم ناظر به اهمیت بخشیدن به فقه النوازل و توسعه فقه بر اساس آن بوده که شواهد آن، آثار منتشر شده توسط اباضیه معاصر است.^۴ محور ششم رجوع به محور چهارم

۱. برای نمونه درباره گونه اول (نک: مبروک ۲۰۱۰: ۱۶۲ - ۱۱۷ و برای گونه دوم نک: بابزیز الوارجلانی، ۲۰۱۰: ۵۳۶ -

۲۳ و برای گونه سوم نک: بابزیز الوارجلانی، ۲۰۱۲: ۹۵۹ - ۲۹ و برای گونه چهارم نک: عطیه، ۲۰۰۳: ۱۵۷ - ۱۵۶).

۲. برای نمونه نک: باجو، ۲۰۰۵: کل کتاب

۳. برای نمونه نک: بابزیز الوارجلانی، ۲۰۰۹: کل کتاب.

۴. برای نمونه نک: بابزیز الوارجلانی، ۲۰۱۰: کل کتاب.

و پنجم محسوب می‌شود و بحث جدیدی نیست؛ برای محور هفتم اجمالاً می‌توان شواهدی آورد که بر آثار منتشرشده با رویکرد احیای تراث مبتنی است؛^۱ محور هشتم در مرحله ادعا و مسیری فراروی تلاش‌های آتی آنهاست؛ محور نهم ناظر به بازسازی شاکیه فقه بوده که اباضیه معاصر در برخی قسمت‌ها، تلاش‌هایی را سامان داده‌اند و در برخی قسمت‌ها طرح‌هایی برای آن مطرح کرده‌اند.^۲

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

۱. اباضیه معاصر مرهون حکومت و خدمات سلطان قابوس است. در عین حال شخصیت احمد خلیلی به‌عنوان مفتی عام سلطنت عمان، در آبرو بخشیدن به اباضیه نقش مهمی دارد. البته رابطه مفتی و حاکم در اباضیه عمان، رابطه‌ای دوسویه و الگوی منحصر به فردی میان مذاهب است، به‌طوری که مفتی در عین حال که در چارچوب حکومت قرار دارد، فعالیت‌های خود را از بعد نظری، هر چه بیشتر گسترش می‌دهد و از پشتیبانی کامل حکومت نیز برخوردار است؛

۲. فقه اباضیه بنا بر دیدگاه مشهور، ادوار ششگانه‌ای را پشت سر گذاشته است که عبارتند از: دوره تکوین و تولد، دوره توسعه و گسترش، دوره مدارس و مذاهب فقهی، دوره تقلید، دوره فترت و انحطاط، دوره تجدید و تیسیر. دانستن فقه هر مذهبی اگر همراه با دانستن ادوار فقه آن مذهب باشد، بر غنای موضوع افزوده خواهد شد. از این‌رو پرداختن به ادوار فقه هر مذهب، اهمیت زیادی دارد؛

۳. اباضیه معاصر هم با اینکه مبانی و اصول خود را حفظ کرده‌اند، به تغییر برخی فروع، ساختارها و اصلاحات روبنایی دست زده‌اند که ما از آن به تجدید بنای اباضیه معاصر تعبیر می‌کنیم؛

۱. نمونه آن شرح و توضیح کتب علمای گذشته مانند کتاب: التاج المنظوم، لباب الآثار، غایة المأمول، مکنون الخرائن و موسوعه آثار الامام جابر بن زید الفقیه و همچنین کتب دیگر.

۲. نمونه آن همان کتبی است که در محور هفتم به آن اشاره شد.

۴. یکی از این راهبردهای اباضیه معاصر برای تجدید بنا، اقدام به برپایی ندوه‌ها و کنفرانس‌های متعدد فقهی با تأکید بر مسائل نوین فقه، مانند رابطه فقه و قانون، تجدید بنای فقه، تغییر ساختار مباحث فقهی، فقه و مسائل جدید است که هر ساله جامعه اباضی عمان با آن روبه‌رو است. حاصل تلاش صاحبان مقالات این کنفرانس‌ها و ندوه‌ها به صورت کتاب‌های مجموعه مقالات به چاپ رسیده‌اند و توسط افراد دیگر واکاوی می‌شوند.

یکی از مباحث بسیار مهم مطرح‌شده در این گونه محافل علمی، راه‌های برون‌رفت فقه اباضیه از انزوا و مطرح شدن در جامعه بین‌الملل است.

کتابنامه

– قرآن کریم، ترجمه الهی قمشاهی.

۱. ابن حنبل، احمد (۱۴۱۵ ق). مسند/احمد، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
۲. ابوالبصل، علی (۲۰۰۳). الاجتهاد و دوره فی التجدید، ندوة الفقه الاسلامی بین الاصله و التجدید، مسقط: کلیة الشریعة و القانون.
۳. ابوالوفاء، احمد (۱۴۱۳ ق). القانون الدبلوماسی الاسلامی، قاهره: دارالنهضة العربیة.
۴. ارشوم، مصطفی بن حمو (۲۰۱۳). القواعد الفقهیة عند الاباضیة، عمان: وزارة اوقاف و الشؤون الدینیة.
۵. اطفیش، محمد بن یوسف (۲۰۰۴). تیسیر التفسیر، الجزائر: بی نا.
۶. _____ (۱۹۸۵). شرح کتاب التیل و شفاء العلیل، جده: مكتبة الارشاد.
۷. آل ثانی، حمود بن یحیی (۲۰۰۹). التجدید الفقهی فی الافتاء العمانی المعاصر، ندوة التقنین و التجدید فی الفقه الاسلامی المعاصرة، مسقط: وزارة الاوقاف و الشؤون الدینیة.
۸. بابزیز الوارجلانی، سلیمان بن ابراهیم و داوود بن عمر (۲۰۰۹). بحوث ندوة التقنین و التجدید فی الفقه الاسلامی المعاصر، عمان: وزارة الاوقاف و الشؤون الدینیة.
۹. بابزیز الوارجلانی، سلیمان بن ابراهیم (۲۰۱۰). اعمال ندوة تطوّر العلوم الفقهیة فقه النوازل و تجدید الفتوی، عمان: وزارة الاوقاف و الشؤون الدینیة.
۱۰. _____ (۲۰۱۲). اعمال ندوة تطوّر العلوم الفقهیة الفقه الحضاری فقه العمران، عمان: وزارة الاوقاف و الشؤون الدینیة.
۱۱. باجو، مصطفی بن صالح (۲۰۰۹). مناهج التجدید لدى فقهاء عمان المعاصرين و اثره فی التقنین الفقهی، بحوث الندوة للتقنین و التجدید فی الفقه الاسلامی المعاصرة، مسقط: وزارة الاوقاف و الشؤون الدینیة.

١٢. _____ (٢٠٠٥). *منهج الاجتهاد عند الاباضية، عمان: مكتبة الجيل الواعد.*
١٣. باروني، ابي ربيع سليمان (٢٠١٣). *مختصر تاريخ الاباضية، سيب: مكتبة الضامري للنشر و التوزيع.*
١٤. برادي، ابوالقاسم بن ابراهيم (بي تا). *الجواهر المنتقاء في اتمام ما اخل به كتاب الطبقات، نسخه خطي: كتابخانه مسجد جامع سلطان قابوس.*
١٥. بوسعيدى، سالم (بي تا). *الرائع في التاريخ العماني، مسقط: مكتبة الانفال.*
١٦. بوسعيدى، صالح بن احمد (٢٠٠٣). *الفقه الاسلامي تعريفه مصادره خصائصه، ندوة الفقه الاسلامي بين الاصاله و التجديد، مسقط: كلية الشريعة و القانون.*
١٧. پاينده، ابوالقاسم (١٣٨٢). *نهج الفصاحة، چ چهارم، تهران: دنياى دانش.*
١٨. جامعه سلطان قابوس (٢٠٠٦). *ندوة الفقه الاسلامي، چ دوم، عمان: وزارة الاوقاف و الشؤون الدينية.*
١٩. جعبيرى، فرحات بن على (٢٠٠٣). *دور المدرسة الاباضية في الفقه و الحضارة الاسلامية، ندوة الفقه الاسلامي بين الاصاله و التجديد، مسقط: كلية الشريعة و القانون.*
٢٠. خراساني، بشرين غانم (٢٠٠٧). *المدونة الكبرى، مسقط: وزارة التراث و الثقافة.*
٢١. خليل، احمد (٢٠٠٣). *الاجتهاد و أثره الجديد، ندوة الفقه الاسلامي بين الاصاله و التجديد، مسقط: كلية الشريعة و القانون.*
٢٢. خليلي، احمد بن حمد (١٤٢٣ ق)، *الفتاوى، عمان: الاجيال للتسويق.*
٢٣. درجيني، احمد بن سعيد (بي تا). *طبقات المشايخ بالمغرب، بيروت: دارالفكر العربى.*
٢٤. رقيشى، محمد بن سالم (٢٠٠٧). *النور الرقاد على علم الرشاد، عمان: وزارة التراث القومى و الثقافة.*
٢٥. سالمى، عبدالله بن حميد (١٩٦٣). *حاشية الجامع الصحيح، قاهره: بي نا.*
٢٦. _____ (بي تا). *تحفة الاعيان بسيرة اهل عمان، مسقط: مكتبة الامام نورالدين السالمى.*

۲۷. سبحانی، جعفر (۱۴۲۷ ق). *بحوث فی الملل و النحل*، قم: مؤسسه الامام الصادق.
۲۸. شعیلی، خلفان بن سنان (۲۰۰۹). *تجدید الفقه و تیسیره*، بحوث ندوة للتقنین و التجدید فی الفقه الاسلامی المعاصرة، مسقط: وزارة الاوقاف و الشؤون الدينية.
۲۹. شقصی الرستاقی، خمیس بن سعید بن علی بن مسعود (۲۰۰۶). *منهج الطالبین و بلاغ الراغبین*، مسقط: مكتبة مسقط.
۳۰. صدوق، محمد بن علی (۱۴۰۳ ق). *معانی الاخبار*، قم: جامعه مدرسین.
۳۱. صوافی، صالح بن احمد (۱۹۹۷). *الامام جابرین زید العماني و آثاره فی الدعوة*، عمان: وزارة التراث القومي و الثقافة.
۳۲. طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۶۵). *مجمع البحرين*، تهران: مرتضوی.
۳۳. طعیات، هانی سلیمان (۲۰۰۳). *الاباضیه مذهب لادین*، اردن: دار الشروق للنشر و التوزیع.
۳۴. عطیه، جمال الدین (۲۰۰۳). *التجدید حركة الابداع الفقهی*، ندوة الفقه الاسلامی بین الاصاله و التجدید، مسقط: كلية الشریعة و القانون.
۳۵. کندی، محمد بن ابراهیم (۱۹۸۴). *بیان الشرع*، عمان: وزارة التراث القومي و الثقافة.
۳۶. کرمی، ناصر (۱۳۸۸). *عمان، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی وابسته به مؤسسه انتشارات امیرکبیر.*
۳۷. مبروک النجاد، عبدالله (۲۰۱۰). *توجیه الاستدلال الفقهی لاستیعاب المستجدات*، عمان: وزارة الاوقاف و الشؤون الدينية.
۳۸. متقی‌زاده، زینب (۱۳۸۴). *جغرافیای سیاسی شیعیان منطقه خلیج فارس*، قم: شیعه‌شناسی.
۳۹. مسقری، ناصر بن مطر (۲۰۰۸). *الاباضیه فی میدان الحق*، مسقط: مكتبة الانفال.
۴۰. معمر، علی یحیی (۲۰۰۳). *الاباضیه بین الفرق الاسلامیه*، سب: مكتبة الضامری للنشر و التوزیع.

۴۱. ناصر، محمد (۱۹۹۲). *الشیخ ابراهیم اطفیش فی جهاده الاسلامی*، سیب: مکتبه الضامری للنشر و التوزیع.
۴۲. نواب، سید ابوالحسن (۱۳۹۳). *درسنامه جغرافیای تشیع*، قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.
۴۳. نیشابوری، مسلم بن حجاج (۱۴۱۶ ق). *صحیح مسلم*، بیروت: مکتبه المعارف.
۴۴. وهیبی، مسلم بن سالم بن علی (۲۰۰۶). *الفکر العقیدی عند الاباضیه حتی نهاية القرن الثانی الهجری*، سیب: مکتبه الضامری للنشر و التوزیع.
۴۵. یگانه، عباس (۱۳۷۴). *عمان، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه*.